

بهار عربی

Samir Amin

برگردان ناهید جعفرپور

بخش چهارم



اسلام سیاسی

اخوان المسلمین تنها نیروی سیاسی است که نه تنها رژیم مصر تحملش می کرد بلکه بطوری فعال هم به توسعه اش یاری می رساند . سادات و مبارک کنترل سه بخش اساسی را در اختیار این نیروی سیاسی قرار داده بودند: آموزش و پرورش، دادگستری و اداره تلویزیون مصر.

اخوان المسلمین هرگز جریانی متعادل نبوده است و از دمکرات بودن آنها به هیچ وجه نمی توان سخن گفت. مرشد رئیس این سازمان خود انتصابی است (مرشد معادل عربی کلمه رهبر) و سازمانش از اصول انضباطی و فرمانبرداری بی چون و چرا بدون هیچ گونه بحث و گفتگویی پیروی می کند. رهبریت این سازمان تشکیل شده است منحصر از کسانی که بسیار ثروتمند می باشند (همچنین بخاطر

پشتیبانی های مالی عربستان سعودی و همچنین واشنگتن). اعضای بالای این سازمان از افراد فوق العاده محافظه کار طبقه متوسط و بدنه سازمان افراد ساده ای هستند که از طریق شعبه های خیریه برای اخوان المسلمین انتخاب شده اند (کسانی که همچنین از سوی عربستان سعودی تامین مالی می شوند). بازوی قوی این سازمان شبه نظامیانی هستند که از میان لومپن پرولتاریا به خدمت گرفته شده اند.

اخوان المسلمین نمی تواند بدون یک سیستم مبتنی بر بازار زندگی کند و کاملاً به خارج وابسته می باشد. از این روی آنها بخشی از بورژوازی کمپرادور می باشند. در واقعیت هم آنها بر علیه اعتصاب بزرگ طبقه کارگر بوده و در مقابل مبارزه دهقانان برای مالکیت بر زمین جبهه گرفتند.

بنا بر این اخوان المسلمین نه تنها معتدل نیست بلکه سیاست های ارتجاعی نئولیبرالی را هم زیر علامت سؤال نبرده و خود را وارد موضوع برتری آمریکا در منطقه و سرتاسر جهان با تمامی عواقبش نمی کند. مسئله ای که آنها را متحد مطلوب آمریکا می سازد. کسانی که " گواهی دموکراسی" را برای مصر صادر نمودند.

طبیعتاً ایالات متحده آمریکا نمی تواند اعتراف کند که هدفمند استراتژی ایجاد یک سیستم " اسلامی" در منطقه را به پیش می برد و تلاش می کند خود را مضطرب نشان دهد و این چنین " جنگ بی وقفه" خویش

را بر علیه ترور که در واقعیت قصد دیگری را دنبال می کند، توجیح کند - کنترل نظامی کره زمین برای تامین امنیت دسترسی به منابع منحصر به فرد برای آمریکا، اروپا و ژاپن. اروپا در منطقه استراتژی مشخصی را دنبال نمی کند و با همین قانع است که خط و اشنگتن را قبول و دنبال کند.

بنابراین امروز بیشتر از هر زمانی دیگر مهم است که دورویی استراتژی آمریکا را نشان داد. استراتژی که هدفمند افکار عمومی را دستکاری می کند و زیرکانه مردم را فریب می دهد. آمریکا (و با آنان اروپا) از هیچ چیزی اینقدر ترس ندارند به اندازه دمکراسی واقعی در مصر. در دمکراسی ای که لیبرالیسم اقتصادی تا کنونی و استراتژی مداخله گری آمریکا و ناتو بیشک زیر سؤال خواهد رفت. از این روی برای جلوگیری از برقراری دمکراسی در مصر آنها آماده اند تا پشت پرده اما با تمامی ابزار اخوان المسلمین را که در "جنبش مردم مصر برای یک تغییر واقعی" تنها اقلیتی را دنبال خود دارد، بعنوان بدیل پشتیبانی نمایند.

اینکه قدرت های امپریالیستی و اسلام سیاسی دستشان در یک کاسه است نه مسئله ای جدید است و نه ویژگی مصر است.

از زمان تاسیس اخوان المسلمین در سال 1927 آنها متحدی مفید برای امپریالیسم و بلوک ارتجاعی در مصر بودند و همزمان مخالفی تلخ

برای جنبش های دمکراتیک این کشور. مولتی میلیاردرهائی که امروز
اخوان المسلمین را رهبری می کنند هیچگاه برای برقراری دمکراسی
حرکت نمی کنند.

اسلام سیاسی در مجموعه جهان اسلام شریک متحد استراتژیکی آمریکا
و کشورهای تابع ناتو است. واشنگتن طالبان ها را بعنوان " مبارزان
آزادی و صلح" در زمان مبارزه بر علیه دولت ملی خلقی که بعنوان
دولت کمونیستی معروف بود، قبل و بعد از حمله شوروی مسلح و
پشتیبانی مالی نمود. زمانی که طالبان مدارس دخترانه ای را که توسط
کمونیست ها ساخته شده بود بستند، " دمکرات ها" و حتی " فمنیست
ها" فوراً بیان نمودند که باید به " سنت ها احترام گذاشت".

در مصر در حال حاضر اخوان المسلمین از سوی سلفی ها که جریانی
سنتی هستند و به نوبه خود تا حد زیادی از جانب کشورهای خلیج تامین
مالی می شوند، پشتیبانی می گردند. سلفی ها افراط گرایان قسم خورده
ای هستند که برای قتل های سیستماتیک قبطی ها مسئول می باشند.
یک چنین حملاتی بدون موافقت ضمنی (و حتی بخشا همکاری)
دستگاه دولتی و بخصوص دادگستری که عمدتاً در دست های اخوان
المسلمین است، بسختی قابل تصور است.

این تقسیم کار عجیب و قریب به اخوان المسلمین اجازه می دهد که خود
را بعنوان معتدل نشان دهد و واشنگتن هم تظاهر می کند که باور کرده

است. در میان اعتقادات اسلامی مصر همواره جنگ های شدید وجود داشته است. زیرا که در مصر امروزه فرقه های اسلامی مانند " صوفی گری" و فرقه های مشابه در حدود 15 میلیون نفر هوادار دارند. این اسلام باز و بردبار که توجه اش بیشتر به اعتقادات فردی است تا رعایت مراسم مذهبی (در آنجا گفته می شود "راه های بسیار بسوی خدا وجود دارد درست به اندازه تعداد انسانها") همیشه خاری بوده است در چشم قدرتی که همواره هویج و چماغ بکار گرفته است بدون اینکه زمانی آشکارا بر علیه آنها حرکت نماید. اسلام وهابی کشورهای خلیج درست نقطه مقابل آنهاست. کهنه پرست، تشریفاتی، دنباله رو و دشمن قسم خورده تمامی تفسیر های دیگر از تفسیر خودشان، که کاملاً پایبند به متون می باشند و هر گونه دیدگاه انتقادی را بعنوان کار شیطان رد می کنند. اسلام وهابی به صوفی گری اعلام جنگ نمود و می خواهد آنها را نابود کند. کاری که برایش روی پشتیبانی صاحبان قدرت حساب می کند. به این خاطر صوفی ها خواهان جدائی دین از دولت شدند. صوفی ها متحدین جنبش دمکراتیک می باشند. اجرای اسلام وهابی در مصر در سال 1920 با رشید رضا آغاز گشت و از سال 1927 از سوی اخوان المسلمین ادامه یافت.

استراتژی آمریکا/ مدل پاکستانی

ادامه دارد.....

بهار عربی

Samir Amin

برگردان ناهید جعفرپور

بخش پنجم



استراتژی آمریکا: مدل پاکستانی

سه قدرت غالب در خاورمیانه در فاصله مجموعه فاز های عقب گرد (1967-2011) سه متحد تنگاتنگ یعنی آمریکا بعنوان حامی سیستم، عربستان سعودی و اسرائیل بودند. همه آنها ترس از ظهور یک مصر دمکراتیک که در هر صورت ضد امپریالیستی و اجتماعی است، دارند. مصر دمکراتیکی که از لیبرالیسم جهانی شده فاصله خواهد گرفت و عربستان سعودی و کشورهای خلیج را تحت شعاع قرار خواهد داد و همبستگی ملت های عربی را مجددا شعله ور نموده و اسرائیل را مجبور به رسمیت شناختن کشور فلسطینی می نماید.

مصر اساس و سنگ بنای استراتژی آمریکا برای تسلط بر کره زمین است. برای اینکه بتواند به تنها هدفش یعنی خفه کردن جنبش دمکراتیک مصر دست یابد، واشنگتن و متحدینش اسرائیل و عربستان

سعودی می خواهند " کشوری اسلامی " به رهبری اخوان المسلمین ایجاد نمایند. آنها تنها بدین صورت می توانند از پیروی مصر مطمئن باشند. این " گفتمان دموکراتیک " اقدامی است برای فریب افکار عمومی ساده لو و خوش باور بخصوص در آمریکا و اروپا. برای توجیح دولتی از اخوان المسلمین غالباً مثال از ترکیه آورده می شود. اما این خود گول زدن است چون " سکولاریسم " ترکیه به هیچ وجه دموکراتیک نیست و وفادار و متحد با ارتش ناتو که پشت پرده همچنان عمل می کند، است. نقشه و اشنگتن که آشکارا مورد حمایت هیلیری کلینگتون و اوباما و نهاد های در خدمت آنها قرار دارد، برقراری مدلی مثل مدل پاکستان در مصر است: یک ارتش " اسلامی " در پیش زمینه و چندین حزب " انتخاب شده " اسلامی در دولت. بر اساس این مدل یک دولت " اسلامی " در جهت ارضای مسائل اساسی آنها به وجود خواهد آمد (که لیبرالیسم و به اصطلاح " پیمان صلح " اسرائیل را برای توسعه طلبی ارضی اش زیر علامت سؤال نبرد) و می تواند در مقابل بی آزارانه " اسلامی شدن دولت و سیاست " و قتل قبطی ها را ادامه دهد. این آن دموکراسی است که و اشنگتن برای مصر می خواهد! این نقشه طبیعتاً از سوی عربستان سعودی به لحاظ مالی پشتیبانی می گردد و از آنجا که ریاض خوب می داند که برای حفظ هژمونی منطقه ای اش (در جهان عرب و جهان اسلام) باید نقش مصر در این منطقه تا حداقل خود کاهش یابد. سلاح انتخابات برای این است که " اسلامی شدن دولت و

سیاست" به اسلامی شدن به سبک و هابیون با تمامی عواقبش که از جمله رد متعصبانه قبطی ها و حقوق زنان است، بیانجامد.

آیا چنین اسلامی شدنی ممکن است؟ بله مطمئنا با دادن هزینه خشونت های بی حد و حصر. مثال مهم در اینجا ماده ای 2 در دو قانون اساسی دو رژیم سرنگون شده است: این ماده می گوید " شریعت پایه حقوق است" این خود در تاریخ سیاسی مصر چیز تازه ای است. نه قانون اساسی سال 1923 و نه قانون اساسی ناصر شامل یک چنین ماده ای بود. در ابتدا سادات با سه بار پشتیبانی و اشنگتن (سنت واقعی)، ریاض (قرآن شروط قانون اساسی است) و اورشلیم (کشور اسرائیل کشوری یهودی است) این مسئله را در قانون اساسی جدیدش وارد نمود.

اخوان المسلمین همچنان این برنامه را دنبال می کنند که یک دولت مذهبی را ایجاد کنند. همانطوری که تبعیت آنها از قوانین اساسی زمان سادات و مبارک نشان داد. برای اثبات این ادعا به برنامه جدید آنها رجوع می کنیم که در آن خواهان ایجاد شورای علما هستند. که وظیفه اش مطابقت هر پیشنهاد قانونی با قوانین شریعت است. این شورای قانون اساسی طرف مقابل شورای نگهبان ایران است که نظارت بر "انتخاب نمایندگان" را دارد. این مسئله منجر به سلطه تنها یک حزب واحد مذهبی می گردد که در آن صورت تمامی احزاب سکولار غیر قانونی می گردند. بدین صورت تمامی طرفداران چنین احزابی و

تمامی غیر مسلمان ها (قبطی ها) از زندگی سیاسی کنار گذاشته می شوند و محروم می گردند.

قدرتمندان در واشنگتن و اروپا طوری نشان می دهند که گویا توضیحات اخیر اخوان المسلمین مبنی بر اینکه آنها از برنامه دولت مذهبی چشم پوشی نموده اند (بدون اینکه تغییری در برنامه شان به وجود آورده باشند) پیروزی است در حالیکه این خود یک بازی فریبکارانه و اپورتونیستی بیش نیست. آیا کارشناسان سازمان سیا عربی نمی دانند؟

بدیهی است که حزب تازه تاسیس مدل ترکیه " برای آزادی و عدالت " کمی بیشتر از کار ساخته و پرداخته اخوان و مسلمین است. در این حزب برای " قبطیها " باز است (!) به این مفهوم است که اگر آنها می خواهند یک " صدا " در سیاست کشور داشته باشند ملزم به قبول برنامه تجویز دولت مذهبی اخوان المسلمین هستند. اتحادیه ها و انجمن های دهقانان و یک سری از " احزاب سیاسی " با نام های مختلف ساخته شده از سوی اخوان المسلمین که تنها هدفشان تجزیه جبهه متحد نوظهور کارگران، دهقانان و دمکرات ها ست، تقویت بلوک ارتجاعی است. آیا جنبش دمکراتیک مصر در این موقعیت قرار دارد که از قبول این بند در قانون اساسی جدید جلوگیری کند؟ برای پاسخ دادن به این

پرسش ضروری است مروری بر بحث های سیاسی، ایدئولوژیکی و
فرهنگی تاریخ معاصر مصر نمود.

ادامه دارد.....